

جایگاه‌شناسی شعر انقلاب اسلامی در تولید ادبیات انقلابی

سهراب مقدمی شهیدانی *

پذیرش نهایی: ۱۴۰۰/۰۳/۰۹

دریافت مقاله: ۱۳۹۸/۱۲/۱۵

چکیده

شعر انقلاب اسلامی یکی از ابزارهای اصلی انتقال پیام امام خمینی (ره) به مردم بود و به موازات سیر تحولات نهضت، گام به گام توانست به پیش برود و در عرصه گفتمانی و تولید ادبیات انقلابی، در خط مقدم مبارزه با پهلوی قرار بگیرد. این نوشتار با نگاهی تاریخی و عینی به آثار شاعران انقلابی، به ردیابی خط سیر تحولات ادبی دوران مبارزه پرداخته و در پی بازشناسی هویت و جایگاه شعر انقلاب اسلامی در تولید ادبیات انقلابی و غلبه گفتمانی نهضت امام خمینی (ره) است. بازشناسی زمینه‌ها، سیر تطور، کارکردها و تنوع زبانی و محتوایی اشعار انقلابی نشان از آن دارد که اغلب این آثار پیرامون شخصیت، افکار و اندیشه سیاسی امام خمینی (ره) شکل گرفته است و در مقام قالب و ادبیات نیز، بیشترین الفت را با ذهن و زبان مردم دارد. از این رو از نظر محتوا التزام به ولایت فقیه (در هر دو ساحت نظری و مصداق خارجی) را می‌توان شاخصه اصلی شعر انقلاب اسلامی برشمرد چنانکه در شکل و قالب نیز مردمی‌بودن، وجه ممیزه این جریان شعری است.

کلیدواژه‌ها: انقلاب اسلامی، هنر اسلامی، شعر انقلاب، امام خمینی (ره)، ادبیات انقلابی.

مقدمه

بازخوانی تاریخ تحولات نهضت امام خمینی، نمونه‌های فراوانی از شعر سیاسی با مضمونهای اسلامی را به دست می‌دهد که در بستر حوادث نهضت امام خمینی در جای جای ایران سروده شده است. استفاده از زبان شعر در پیشبرد وقایع نهضت نقش مهمی داشته، و روح مبارزه با مظالم پهلوی را چونان آتش زیر خاکستر در میان توده‌های مردم، زنده نگاه داشته است. این نوشتار با بررسی تعداد زیادی از اشعار سیاسی منتشرشده و بعضاً منتشرنشده در نهایت یک خط ممتد شعری را برای مخاطب ترسیم می‌کند که هم مسیر تحولات انقلابی را نشان می‌دهد و هم نمایانگر ماهیت و آرمانهای قیام اسلامی مردم ایران است. بازخوانی تنوع مضمونی، زبانی و ادبی، گستره عظیم شعر انقلاب اسلامی را به رخ می‌کشد که در عین همه تکرارنش، گرد محور امام خمینی به‌عنوان یگانه راهبر مبارزات اسلامی مردم ایران به وحدت می‌رسد. جایگاه‌شناسی شعر انقلاب اسلامی در تولید ادبیات انقلابی در گروه مرور پیشینه تاریخی، موضوع و موضع شعر انقلاب اسلامی است.

مراجعه به عینیت خارجی و بازکاوی داده‌های تاریخی، مهم‌ترین منبع در ردیابی و هویت‌شناسی شعر انقلاب و جایگاه آن در تولید ادبیات انقلابی است.

زبان شعر، جامعه‌شمول است که ذهنیت مردمان عصر انقلاب و جهان‌زیست آنان را بهتر از هر زبانی بیان می‌کند. برخی نویسندگان در تحلیل انقلابها بر نمادهای ذهنی در جامعه پیش از انقلاب تأکید فراوان می‌کنند و شروع انقلاب را شاهدی بر پایان جهان‌زیست و پدیدآمدن جهان‌زیست تازه بر می‌شمارند؛ یعنی زمانی که مردم خود را بر قالب‌بندی جامعه بر اساس آرمانهای خود از نو صورت‌بندی کنند، جامعه باید خود را تجدید ساخت کند و این امر باید بر مفاهیم و اصولی متفق و موافق شود؛ لذا سیاست همان «زبان مشترک و در عین حال متناقض بحث و عمل درباره مفاهیم اصلی قدرت» است که نمی‌توان از اهمیت و قدرت زبان و مباحثه در شکل‌گیری و پیروزی انقلاب غفلت کرد (ملکوتیان و احمدی، ۱۳۹۰: ۱۴ و ۱۵).

در کنار همه عواملی که گره خورده بودند تا انقلاب اسلامی به حقیقت بپیوندد، ادبیات (اعم از شعر، قصه، شعار، سرود و...) در انتقال مفاهیم، تهییج و ترغیب مردم در مبارزه، آگاهی‌بخشی، اطلاع‌رسانی و دمیدن روح حماسه و شهادت‌طلبی تأثیرات بسیار زیادی داشت.

به دلیل سابقه تاریخی و فرهنگی مردم ایران، استفاده از زبان شعر در انتقال مفاهیم سیاسی - اجتماعی در افشای ماهیت جنایت‌آمیز رژیم شاه و ایجاد گفتمان جدید بر اساس مبانی اسلام ناب، بسیار کارگر افتاد. البته شاعرانه‌های عصر مبارزات مربوط به نهضت امام خمینی (ره) آن‌چنانکه باید و شاید، هرگز مورد التفات هنروران و سخن‌شناسان ادب فارسی قرار نگرفته؛ چنانکه تاریخ‌نویسان و مستندنگاران نیز حق این ساحت مظلوم و مغفول در تاریخ سیاسی و اجتماعی معاصر را ادا نکرده‌اند.

چارچوب نظری

در مطالعات انقلاب اسلامی نوعاً روش‌های رایج در مطالعات اجتماعی، بویژه اندیشه سیاسی از جمله روش تحلیل سیستمی، روش راهبردی، روش بحران، روش مفهومی، روش گفتمان و... مورد استفاده پژوهشگران قرار می‌گیرد که ارزیابی تولیدات مبتنی بر این روشها ناکارآمدی و ناتوانی آنها را در انعکاس همه‌جانبه نهضت اسلامی به رهبری یک مجتهد شیعی به اثبات می‌رساند و منشأ بسیاری از سوء فهمها شده است (لکزایی، ۱۳۸۹: ۷۷).

با وجود این این نوشتار از نظر روش‌شناسی به معنای چارچوب نظری تحقیق (ری‌سرچ متد) و روش‌شناسی به معنای دانش درجه دوم (متدولوژی) (حقیقت، ۱۳۹۱: ۷۵) تابع هیچ‌یک از روش‌های رایج یا پارادایم خاص نیست؛ اما در تحلیل داده‌ها از روش کلاسیک (اعم از نقد ادبی و نقد تاریخی) پیروی می‌کند. روش گردآوری داده‌ها کتابخانه‌ای است؛ اما گاه از تولیدات تاریخ شفاهی (مصاحبه) نیز استفاده شده است و از لحاظ سطح تحلیل، نوشتار توصیفی - تحلیلی است. رویکرد پژوهش نیز تاریخی - ادبی است.

شعر انقلاب اسلامی، حقیقتی مستقل و ممتاز

وقتی از «شعر انقلاب اسلامی» سخنی به میان می‌آید، ناگزیر باید در آفاق بلندی نظر کرد که طلوع سپیده صبح انقلاب اسلامی را نمایان می‌سازد. این پهن‌دشت زیبای بیکرانه از فراگرد تغافل تاریخی از نظر دور مانده است.

شعر انقلاب اسلامی، تنها واژه‌پردازی و لفاظی نیست؛ بلکه معبری است به دنیای معانی و مفاهیم بلند و پیچیده؛ مفاهیمی در تراز گستره و اهمیت و جایگاه متعالی انقلاب اسلامی. در شعر انقلاب با انقلابی‌هایی روبه‌رو هستیم که برای ستایش مبارزه با استبداد و استعمار و استکبار

زبان شعر را به استخدام درآوردند؛ هم‌چنان با شاعرانی روبه‌رو هستیم که در کاروان انقلاب اسلامی جایی برای خویش جستند تا از تاریخ جا نمانده باشند؛ این است که چه بسا شعر انقلاب، گاهی در عرصه عروض و قافیه و لفظ، چندان فخیم و فاخر در چشم نیاید، با اینکه موضوع و معنایش متعالی و فخیم است؛ چنانکه در آثار برخی انقلابیون شاعر مشاهده می‌شود و چه بسیار شعرهای بلندی که هم در قالب سرآمدند و هم در معنا متعالی.

گرچه این حقیقت در منابع انعکاس درخوری نیافته، شعر انقلاب اسلامی، هرگز از تحولات نهضت جا نمانده است! امروز وقتی از «شعر انقلاب اسلامی» سخن می‌گوییم در بسیاری موارد، شعر روزهای پس از پیروزی نهضت در ذهن انسباق می‌یابد و کمتر کسی است که جریان شعر انقلاب را همپای تحولات تلخ و شیرین نهضت امام خمینی ببیند و بشناساند؛ حال اینکه شعر انقلاب، چاووشی‌خوان حماسه همیشه جاوید کاروان انقلاب اسلامی است. شعر انقلاب، جریانی پویا و پیوسته جاری است که تاریخ تحولات معاصر در آن تجلی یافته است. فقط و فقط، باید این آینه‌زار را خوب بشناسیم و غبار از چهره‌اش بزداییم تا حقیقت انقلاب را در آن ببینیم؛ چنانکه هست.

شعری که از نه توی محافل دودگرفته روشنفکران به در آمد و بر زبان عامه مردم زمزمه شد و بذر خروش و خیزش را در دل جامعه انقلابی ایران اسلامی رویانید.

شعر انقلاب اسلامی اگرچه در برخی وجوه با شعر عصر مشروطه مشترک است، هویتی مستقل و ممتاز دارد. در شعر انقلاب اسلامی، مفاهیم دینی و تطبیق‌های تاریخی به‌نحو پرشماری بازتاب یافته و مهمتر اینکه مفهوم «شهادت طلبی» شاه بیت این غزل عاشقانه تاریخ است.

شعر انقلاب اسلامی با عموم مردم سخن می‌گوید؛ در بند لفاظیها و اغلاق‌گوییهای روشنفکرانه گرفتار نیامده است؛ مردم را می‌فهمد؛ چنانکه مردم نیز از فهمش عاجز نیستند. این است که در فضای خفقانبار استبداد ظاهر فریب‌پهلوی دوم و در عصر نضج‌گیری هنرِ درباری، چه بسیار شعرهای انقلابی که بر زبان عامه مردم زمزمه می‌شود بدون اینکه نام شاعر آن را بدانند!

شاعران انقلاب اسلامی، درست در روز واقعه در کنار مردم ایستادند و به‌جای توهم‌بافیهای

شبه‌روشنفکری، روزگار حماسه‌سازان را در قالب واژگان ریختند و هر واژه‌شان جرعه‌ای جان‌افزا به تشنگان خروش و خیزش هدیه کرد؛ چنانکه مردمان کوچه و بازار با هم‌آوایی و هم‌زبانی شعر انقلاب سرودند و بازتابی از نظم شاعرانه در دل طوفان حوادث شدند. در این زمانه غریب البته همه حوادث تلخ و خونین نهضت امام خمینی در پشت شیشه‌های دودگرفته عینک شاعران غیر مردمی و شعرفروشان درباری، تار و تاریک و محو ماند! و آنان در همه آن سالهای پرحادثه روزه سکوت گرفتند و از عشق‌های ارزانشان سرودند و نان خون‌آلوده به نرخ روز خوردند!

پیشینه‌شناسی شعر انقلاب اسلامی

شعر انقلاب اسلامی در یک نگاه به دو بخش قابل تقسیم است: نخست هویت مستقلی که امروز این جریان شعری را با آن می‌شناسیم و دوم آن قسمی که در گذشته ریشه دارد. در یک نگاه، نهضت ادبی عصر مشروطه تا حدودی نقطه آغازین بخشی از انقلاب اسلامی است. بویژه آثاری از سید احمد ادیب پیشاوری یا شعری که درباره شهادت شیخ فضل‌الله نوری سروده شده به‌نوعی آغازکننده این راه بوده است. شعر احمد خوانساری در رثای شیخ فضل‌الله، یکی از نمونه‌های شعر انقلابی معاصر است که می‌نویسد:

دست حق در دست می‌آمد روان بر پای دار
تا بلندآوازه سازد بعد از این آوای دار.

شعر انقلابی معاصر، اگرچه هم در لفظ و هم در مضمون از ادبیات مشروطه تأثیر پذیرفته است، دستاوردهای نهضت مشروطه در بعد سیاسی و اجتماعی با آغاز دیکتاتوری رضاشاه یکسره از میان رفت و ادبیات ستایش استبداد دوباره در عرصه شعر و ادب، رواج یافت؛ با این همه در سکوت مرگ‌اندود عصر رضاخانی، تک‌واژه‌های شب‌شکنی گاه از حلقوم حق‌گویان بلند می‌شد اما در کوتاه‌زمانی این فریادسرایها با مشت استبداد، چون بغض در گلو خفه می‌شد. یک نمونه فاخر از شعر انقلابی در عصر رضاخانی، آثار آیت‌الله شیخ یوسف نجفی

جیلانی، نویسنده کتاب ارجمند «طومار عفت»^۱ است که در ترسیم اوضاع خفت‌بار عصر پهلوی چنین می‌سراید:

ارکان فلک فتاده در چشم ملوک رذلان همه حاکمند در شهر و بلوک
گفتم به فلک، رذل‌پرور شده‌ای خندید که الناس علی دین ملوک

(شمس جیلانی، ۱۳۲۷: ۱۱۱)

راهبر کبیر انقلاب اسلامی و بنیانگذار نظام جمهوری اسلامی از قریحه بلند شعری نیز برخوردار بوده به گونه‌ای که خود از پیشگامان شعر انقلابی معاصر به‌شمار می‌رود؛ به‌عنوان نمونه، ایشان در توصیف زمانه خفقان رضاخانی، چنین می‌سراید:

از جور رضاشاه گجا داد کنیم زین دیو، بر که ناله بُنیاد کنیم
آن دم که نفس بود، ره ناله بیست اکنون نفسی نیست که فریاد کنیم

(امام خمینی، ۱۳۹۲: ۳۱۷)

گرچه با همت و هوشمندی تاریخی هنروران مسلمان، هرگز چراغ شعر انقلابی در ایران خاموش نشد آن‌گونه که در شعرهای پیشین نیز انعکاس یافته است، خفقان شدید دوران رضاشاهی موجب شده بود که جریان رسمی ادبی کشور به سمت شعر اعتراضی و سیاسی اقبال نکند؛ چه اینکه بخواهد به انقلاب بیندیشد. یکی از شاعران شهیر ایرانی، که آن دوران را درک کرده است و در عین حال تعلق خاطر آشکاری نیز به انقلاب اسلامی ندارد، سلوک شاعران در عصر پهلوی اول را این‌گونه روایت کرده است:

«در این دوره، آنها که به‌عنوان ادبای رسمی هستند یعنی کسانی که روزنامه‌ها را اشغال کرده‌اند و تریبون‌ها را در اختیار گرفته‌اند، می‌توان گفت غالباً انسان‌های سطحی، و در زمینه شناخت مسائل اجتماعی کم‌فرهنگ، خودفروخته و حتی بی‌وطن هستند... فشار و سانسوری که

۱. از بهترین رساله‌هایی است که در باب حجاب به نگارش درآمده و در زمان خود هفت سال زودتر از تصویب قانون کشف حجاب به دفاع از موضوع حجاب پرداخته است. مرحوم آیه‌الله جیلانی با همت بلند و بینش عمیق و اطلاعات گسترده دینی و اجتماعی به تألیف این کتاب اقدام کرد؛ بدین دلیل مجرم شناخته، و توسط عامل رضاخان در گیلان (ژنرال فضل‌الله زاهدی) دستگیر و زندانی و محکوم به شلاق شد. این عامل مزدور پس از تراشیدن ریش آیه‌الله جیلانی، او را به طرز بیشرمانه‌ای در یکی از روستاهای فاقد امکانات آن روز یعنی ماسوله تبعید کرد. ایشان با تحمل محدودیت‌ها و رنجهای فراوانی این دوران را سپری کرد. برای اطلاع بیشتر در مورد زندگانی ایشان بنگرید به: «زندگینامه آیت‌الله شیخ یوسف نجفی جیلانی»، سایت رنگ ایمان: <http://www.rangeiman.ir/577/>

رژیم رضاخانی بر ادیبان وارد می‌کند به اندازه‌ای است که حتی انتقادات در شعر این دوره چیزهای سطحی و روبنایی است. انتقادات سطحی است و آن تندی‌هایی که در شعر عارف و عشقی و بهار بود و به ریشه مسائل می‌زد در این دوره نیست. رژیم، این اجازه را به کسی نمی‌دهد که به مسائل عمقی بیندیشد و مسائل عمقی را در آثار خود منعکس کنند» (سوری، ۱۳۸۸: ۸۲-۸۵).

معجزه بزرگ انقلاب اسلامی، شکستن این فضای پلیسی در عرصه ادبیات و زمینه‌سازی برای خیزش و خروش شاعران انقلابی است.

سیر تاریخی شعر انقلاب اسلامی

در حقیقت شعر انقلاب اسلامی با ورود آشکار امام به عرصه مبارزه در آغازین سالهای دهه چهل جاری می‌شود و اولین زمزمه‌های شعر انقلابی، بعد از مبارزات روحانیت در ماجرای الغای تصویرنامه انجمنهای ابالتی و ولایتی در پاییز سال ۴۱ سروده شد. در یکی از اشعاری که به مناسبت سروده شده و به نقش رهبری امام در مبارزات این دوره تصریح شده است:

به جان پاک حجج، رهبران این نهضت نثار باد سلام و ثنای نامحدود

علی‌الخصوص خمینی، بزرگ آیت حق که عاشقانه در این صحنه قد علم فرمود^۱

(روحانی، ۱۳۹۳: ۲۳۲)

پیوندِ حداکثری شاعران انقلابی با مردم و درهم تنیدگی ادبیات و تاریخ یکی از امتیازات شعر انقلاب اسلامی است. همین امتیاز موجب می‌شود که نتوان شعر انقلاب اسلامی را در هیچ قالبی محصور و محدود کرد؛ نه در قالب جغرافیا و زبان خاص و نه در قالب شخصیت‌های شهیر. در دوران بحران مخاطب و محرومیت شاعران از پایگاه اجتماعی، شاعران انقلاب از دل مردم جوشیدند و حرف دل آنان را سرودند و سخن‌شان بر دل مردم نشست. شعر انقلاب اسلامی در همه سالهای مبارزه از یک سو با راهبر نهضت ارتباط عاطفی خود را حفظ کرد و از دیگر سو بر عهد خویش با مردم باقی ماند. یک نمونه خواندنی و جذاب از همزیستی شعر انقلابی با ادبیات عامیانه^۲ شعری است که چند دهه است که در زبان عشایر

۱. این اشعار متعلق به آقای محمد حسین بهجتی اردکانی و به تاریخ قم ۱۳۴۱/۹/۱۴ مربوط است.

جنوب زمزمه می‌شود و حکایتی دارد شنیدنی! متن این شعر به زبان لری است و در آن با زبان گفتگو به ماجرای نامه مرحوم حبیب‌الله شهبازی به امام خمینی در سال ۴۱ اشاره می‌کند. در این شعر جنگجوی عشایری از امام خمینی درخواست می‌کند که فقط کاغذی حاوی فتوای جنگ و جهاد صادر کند تا او تفنگ به دست بگیرد (سیاهپور، ۱۳۷۸: ۲۳۸-۲۳۷؛ همان، ۱۳۸۸: ۶۸-۶۷).

پس از رحلت آیت‌الله بروجردی، مرحوم خوشدل طهرانی در قصیده‌ای گفته بود: (آیت‌الله بروجردی اگر بر بست رخت / چون خمینی را خدا بر شیعه مولا می‌کند / حکم کن، فرمان بده، از جان و دل فرمان بریم)

امام بعد از حمله خونین فیضیه در ضمن پیام تاریخی خود (۲۸ اردیبهشت ۴۲) خطاب به گویندگان مذهبی و سران هیئت‌ها از آنان خواست که «در نوحه‌های سینه‌زنی مصیبت‌های وارده‌شده بر اسلام و مراکز فقه و دیانت و انصار شریعت را یادآور شوند». با آغاز محرم سال ۴۲، عزاداریها رنگ و بوی انقلاب گرفت و تا پیروزی نهضت، پیوند عزاداری و مبارزه همچنان برقرار ماند؛ بدین صورت فصل تازه‌ای از مبارزات سیاسی در ایران آغاز شد و مردم در لبیک به ندای رهبر نهضت در محرم سال ۴۲ در نوحه‌هایشان این چنین دم می‌گرفتند «گفت عزیز فاطمه * نیست ز مرگ واهمه / تا به تنم توان بود * زیر ستم نمی‌روم / ننگ حیات و ذلتش * عزت و مرگ و لذتش / من ز یزید بی‌پدر * ظلم و ستم نمی‌کشم».

اغلب اشعار این دوره به ماجرای فجایع فیضیه اختصاص داشت (روحانی، ۱۳۹۳، ج ۱: ۴۶۷-۴۸۶) و در نقطه اوج پیوند سیاست و دیانت و الهام‌گرفتن مجالس حسینی از رخداد‌های سیاسی بود (غفاری هاشجین و خدادادی، ۱۳۹۳: ۱۱۲-۱۱۴). نباید از یاد برد که این نوحه‌ها اولین تجلی «هنر انقلاب اسلامی» است که بسیاری به اشتباه، پیشینه آن را به زمان پس از پیروزی نهضت بر می‌گردانند. پیوند نهضت امام خمینی با معارف عاشورایی، که در شعرهای سیاسی این دوره متجلی است، بهترین دلیل بر دینی بودن حرکت مردم به رهبری امام خمینی است. خودجوش بودن هنر انقلاب و مردمی‌بودنش همه دستگاہ فرهنگی و هنری نخبگانی و مزدور رژیم را ناکارآمد کرد.

بعد از دو فاجعه خونین فیضیه و قیام ۱۵ خرداد سال ۱۳۴۲، دامنه شعر انقلابی به شکل

تصاعدی گسترش یافت. بازتاب سریع و متعهدانه واقعه خونین فیضیه در شعر شاعران انقلابی موجب امتداد مبارزات اسلامی در مجالس حسینی شد و سخنرانی امام خمینی در فیضیه و دستگیری ایشان به قیام خونین ۱۵ خرداد منجر شد. هنگامی که نیروهای رژیم پهلوی به مدرسه فیضیه حمله کردند و طلاب را مورد ضرب و شتم قرار دادند و بسیاری را به شهادت رساندند، روی دیوار فیضیه شعارها و شعرهایی بر علیه رژیم دیده می‌شد (روحانی، ۱۳۹۳، ج ۱: ۳۹۵).

به دنبال وقوع نهضت خونین ۱۵ خرداد ۴۲، که امام از آن به‌عنوان «طلیعه نهضت» یاد می‌کند، بازتاب این قیام در اشعار شاعران انقلابی یکی از عواملی است که تأثیرگذاری این قیام را در اذهان عموم ایرانیان توسعه داد و پیامدهای این واقعه را در سطح ملی مطرح کرد. اگرچه اغلب این اشعار علنی و گاهی بدون نام و نشان منتشر می‌شد، دهان به دهان تکرار می‌شد و هر روز گوشه‌ای از عمق این فاجعه عظیم را برای مردم به یاد می‌آورد.

گذشته از قم و تهران، مردم دیگر شهرهای ایران نیز مستقلاً اشعاری را در یادکرد نهضت امام خمینی سروده‌اند که در برخی نمونه‌ها علاوه بر اعلان پشتیبانی از امام، صراحتاً بر مبارزه و مخالفت آشتی‌ناپذیر ملت ایران با رژیم شاه تأکید شده است: «قسم به جان خمینی، زعیم شرع‌مدار/ به رهروان حقیقت به حرمت احرار *** که شاه خائن بیدادگر، اگر از کین/ هزار مرتبه کشتار را کند تکرار *** زدودمان وی و جمله جیره‌خوارانش/ به انتقام شهیدان بر آوریم دمار» (روحانی، ۱۳۹۳، ج ۱: ۵۷۱).

هرساله در سالگرد این واقعه تاریخی، مبارزان از زبان شعر در زنده نگاه داشتن این واقعه به صورت حداکثری بهره می‌جستند و این اشعار به صورت مکتوب و شفاهی مخاطبان عمومی می‌یافت و در شعله‌ورترکردن آتش قیام، تأثیرگذار می‌نمود. با آغاز دهه محرم سال ۴۳، مراسم نوحه‌خوانی و عزاداری در منزل امام برپا بود و در لابه‌لای نوحه‌ها یاد شهدای قیام ۱۵ خرداد زنده نگاه داشته می‌شد. در یکی از نمونه‌ها از اشعار، چنین آمده‌است: «آیت‌الله خمینی رهبر دین مبین / آیت‌الله خمینی ای زعیم مسلمین *** دهم محرم، عاشورای حسینی / ۱۲ محرم، عاشورای خمینی».

در سالگرد قمری حادثه ۱۵ خرداد در اطلاعیه‌ای با امضای حوزه علمیه قم، ۱۲ محرم عزای عمومی اعلان شد. استفاده از زبان شعر در طلایه اعلامیه سیاسی حوزویان، نشان از التفات

مبارزان روحانی به زبان رسای شعر دارد:

«در نیمه خرداد هر آن ظلم که رخ داد *** یک گوشه ز الطاف ملوکانه شه بود» (روحانی، ۱۳۹۳، ج ۱: ۹۴۵).

پس از تبعید امام، آن‌گاه که همه راه‌های اظهار وفاداری و پشتیبانی از امام (ره) بر مردم بسته بود، سلاح سخنوری در میدان مبارزه به کار گرفته شد و البته در جهت بیداری همگانی بسیار کارگر افتاد. گرایش به شعر در این دوره خفقان و سرکوب منجر شد به خلق آثاری که برخی از آنها تا کنون شاعرانش همچنان گمنام مانده‌اند. مرور برخی از اشعار این دوره، راهی است به کشف حقائق تاریخ خفقان‌بار عصر پهلوی و از همین رو در برخی از این اشعار از امام به‌عنوان «نائب ختم امامان» یاد شده که مانند خورشید پشت ابر، گرچه در اثر تبعید از نظرها پنهان است، فیضش به همه عالم می‌رسد (روحانی، ۱۳۹۳، ج ۲: ۶۹).

برخی شاعران با الهام از ماجرای حضرت یوسف (ع)، خود را همچو یعقوب (ع) خونفشان فراغ امام معرفی می‌کنند: «صلاح اینکه چو یعقوب در فراق عزیزش / دهم دو چشم تصدق به افتخار خمینی *** خدا نکرده ملالی چو یافت به قلبش / به وقت غصه نشیند که در کنار خمینی *** مگو مگو که چنین حرف بر قلوب غم آرد / بس است اینکه خدا هست، عون و یار خمینی»^۱

اشاره به مرجعیت امام خمینی یکی از محورهای اساسی شعر انقلاب اسلامی است که در دوران تبعید، مورد توجه ویژه شاعران انقلابی قرار گرفته است: «اگر چه از وطن تبعید هستی *** یگانه مرجع تقلید هستی» یا در جای دیگر شاعری بعد از مطرح کردن ضرورت آزادی امام، شاه را خطاب قرار داده، او را نسبت به عبرت گرفتن از سرگذشت رضاخان انذار می‌دهد: «شاه را گو مرجع تقلید را آزاد کن / مسلمین خسته دل را زین الم دلشاد کن *** گر که می‌نازی به تخت و بخت و تاج و اقتدار / این جهان فانیهست تاریخ پدر را یاد کن» (همان، ۶۸-۷۷).

در دوران تبعید امام به ترکیه، یکی از راهبردهای اصلی مبارزاتی در قم، برگزاری مستمر مراسم دعای توسل در حرم مطهر حضرت معصومه (س) بود. در برخی مواقع، افراد مبارز با تمسک به زبان شعر به بیان مخالفت با تبعید امام می‌پرداختند: «یا ربنا فارحم بنا، این‌الخمینی /

۱. این اشعار توسط حسین رحمتی از مرند به تاریخ ۱۶ آبان ۱۳۴۳ سروده شده است.

واحسرتا من هجره، این‌الخمینی *** نام‌خمینی بردن از زجر است و زندان/ زندان چه باشد، جان به قربان‌خمینی *** سلم‌خمینی ربنا فاردد الینا/ واحفظ‌الهی مصطفی‌نجلی‌الخمینی».

چاپ کارتهای تبریک نوروز در سالهای ۴۳ و ۴۴ از دیگر ابتکارات مبارزاتی در دوران غیبت امام بود که بدین وسیله با انتشار عکس او در قالب کارت پستال تبریک سال نو، چراغ مبارزه را روشن نگاه داشتند. در این روش مبارزاتی نیز استفاده از زبان برنده شعر محوریت دارد؛ به‌عنوان نمونه در کارت تبریک نوروز ۱۳۴۳ و همزمان با ایام حصر خانگی امام خمینی، کارت تبریکی طراحی شد که روی آن این چنین نوشته بود: «بود آن‌روز بر ما عید مطلق ***» که در جنبش درآید پرچم حق». عیناً در نوروز سال ۱۳۴۴ نیز همین روش تکرار شد و این‌بار ماجرای تبعید مظلومانه امام به ترکیه در قالب شعر و روی کارت تبریک روایت شده و حال و هوایی سیاسی به جشن ملی نوروز داده بود: «ای گل‌آمال و بهار امید/ رهبر آزاده، زعیم رشید *** بهر کسی بی‌تو، بهاری نماند/ شادی و امید و قراری نماند *** زآنکه بهار دل ملت تویی/ عید حقیقی به حقیقت تویی *** دیدنت ای رهبر بیدار ما/ هست شفای دل بیمار ما *** دین فروزنده ز اقدام توست/ روح خدا جلوه‌گر از نام توست» (رحیمیان، ۱۳۹۰: ۳۵-۳۴).

به مناسبت ورود امام به نجف در مهرماه سال ۱۳۴۴، جشن با شکوهی از سوی روحانیان مبارز و متعهد در مدرسه بروجردی نجف برگزار شد که بسیاری از مقامات روحانی و نیز برخی از مردم نجف در آن جشن شرکت کردند و اشعار زیبایی سرودند. آقای غدیری یکی از فضیلائی حوزه نجف نیز قطعه شعری را در آن جشن باشکوه قرائت کرد: «دیدنی که عاقبت ز پس ابر قیرگون/ خورشید بهر نورفشانی گشوده را *** دیدنی که دی گذشت و خزان رفت و گل دمید/ بلبل به گلشن آمد و شده تازه هر گیاه *** دیدنی که خصم از بر خورشید تابناک/ خفاش‌وش گریخت که نتوان کند نگاه *** آن مرجعی که هست به او فخر مسلمین/ روح‌الله است نام وی ارواحنا فداه» (روحانی، ۹۳، ج ۲: ۱۷۳).

۱. این اشعار به خط جناب حجت‌الاسلام رحیمیان در کارت تبریک نگاشته، و اشعار متأخر در یک نمونه دیگر از کارت‌های مربوط به سال ۴۳ نیز با اضافه بیت آخر چاپ شده است؛ ولی در کارت مربوط به سال ۴۴ بیت آخر که به نام روح‌الله اشاره می‌کند، نیامده است.

جناب استاد محمدهادی یوسفی غروی از استادان برجسته حال حاضر تاریخ اسلام از جمله کسانی است که در استقبال از امام خمینی قصیده‌ای به زبان عربی سروده است. گرچه پیشتر یک بیت از شعر ایشان - بدون ذکر نام شاعر - در برخی کتابهای تاریخی منتشر شده بود، برای نخستین بار، متن کامل شعر فخیم ایشان در گفتگوی اختصاصی بنیاد تاریخ‌پژوهی و دانشنامه انقلاب اسلامی با ایشان به قلم خودشان در اختیار آن مرکز قرار گرفت.^۱ در مطلع قصیده آمده: «بشری فقد أنجز الرحمن ما وعدا/ نجم الخمينی فی أفق العراق بدا»^۲

استخدام زبان شعر برای بازگفتن مضمونهای مرتبط با حوادث نهضت به یک یا چند شعر یا یک مقطع تاریخی خاص منحصر و محدود نیست؛ چنانکه بعد از شهادت فرزند برومند امام خمینی، مرحوم «سید محمد حلی» در رثای شهید سید مصطفی شعری سرود که امام خمینی شعر او را به خط نسخ بر گوشه یکی از کتابهایش نگاشت. در این شعر، که از همنوایی علمای حوزه نجف با امام در مصیبت مصطفی حکایت می‌کند، چنین آمده است: «یا مصاباً ضلع الدین له/ ائکل الشرع و ابکی نجفا***زال اقصی الروح فی تاریخه/ اذهل العلم لرزء المصطفی» (رحیمیان، همان: ۱۳۱).

خط ممتد مبارزه در تمام سالهای تبعید امام هرگز قطع نشد و شاعران انقلابی با شجاعتی بی‌مانند، شمشیر شعر را بر گرده رژیم ستمشاهی آخته و برکشیده از نیام نگاه داشتند و پیام راهبری نهضت را با زبان شعر به زبان محاوره مردم تبدیل کردند؛ از این رو آنان هم در تولید ادبیات انقلابی نقش داشتند و هم در فراوری ایدئولوژی انقلابی و ترویج آن در گستره‌ای وسیع.

سرآمدان شعر انقلاب اسلامی در دوران مبارزه

با وقوع قیام ۱۵ خرداد سال ۱۳۴۲ و داغ شدن تنور انقلاب و اعتراض، بسیاری از شاعران در آن مقطع زمانی با فریاد تظلم و دادخواهی و با اهتزاز پرچم مبارزه از طریق شعر - و البته نه

۱. این مصاحبه در تاریخ ۱۳۹۲/۵/۲۳ توسط آقایان صادق علیپور و میثم عبداللهی در محل بنیاد تاریخ‌پژوهی و دانشنامه انقلاب اسلامی ضبط شده است. این شعر از آرشیو همین مرکز تاریخی در اختیار نگارنده قرار گرفته است.

۲. ستاره خمینی در افق عراق پدیدار شد / مزده که سرنوشت به وعده خود وفا کرد

با زبان رمز و کنایه که به تصریح - به طرفداری از اهداف و آرمان‌های امام خمینی (ره) و مبارزه با سلطنت پهلوی پرداختند. این بیداری ادبی تا پیروزی انقلاب اسلامی در بهمن ماه ۵۷ و روزهای شکل‌گیری نظام جمهوری اسلامی ایران تداوم یافت.

به اعتقاد برخی پژوهشگران مهرداد اوستا با شعر ارمغان غرب، موسوی گرمارودی، طاهره صفارزاده و علی معلم جزو نخستین کسانی بودند که شعر انقلاب اسلامی را بنا نهادند (مؤذنی، ۱۳۹۱: ۷۷ - ۷۹)؛ اما واقعیت این است که شعر انقلاب اسلامی با آن گستره عظیم و ناشناخته‌اش، بنایی مستحکم و بلندمرتبه است که به این آسانی نمی‌توان بنیانگذارانش را بازشناخت یا معماریش را در یک یا چند نام منحصر کرد. بازشناسی هویت و ماهیت شعر انقلاب اسلامی بدون شناخت ریشه‌ها و پیشینه تاریخی آن ممکن نیست و این نوشتار در پی نشان دادن خط سیر تاریخی شعر اصیل مبارزه بر اساس مبانی و مفاهیم دینی ناب است.

از جمله سرشناسان متعهد شعر انقلاب، غلامرضا قدسی، شاعر شهیر خراسانی است که بارها به دلیل سرودن اشعار انقلابی به زندان افتاده و شکنجه‌های جسمی و روانی بسیار در این راه دیده و چشیده است. او پیش از وقوع قیام ۱۵ خرداد بارها با زبان رمز، سکوت مرگبار حاکم بر کشور را به تصویر کشیده بود؛ اما بعد از ۱۵ خرداد با زبانی صریح به انعکاس حماسه پرشور مبارزات پنهان و پیدای مردم مسلمان در اشعار خود پرداخت.

قدسی در سالگرد نهضت و در بهار ۱۳۴۳، که رژیم ستمشاهی مقاومتها را با خفقان پلیسی درهم شکسته و در پی انزوای مبارزه‌جویان مسلمان بود، قطعه «سایبان شعله» را سرود.^۱ در دومین سالگرد قیام ۱۵ خرداد، شعری نیمایی و نسبتاً بلند با عنوان «خونهای جوشان» در ششمین شماره مجله «انتقام» درج شد.^۲ این شعر، از حجت‌الاسلام محمدحسین بهجتی یزدی

۱. بازتاب قیام ۱۵ خرداد در آثار پیشاهنگان شعر انقلاب، ص ۲۷۹-۲۷۸.

۲. یکی از نشریات مخفی طلاب حوزه علمیه، نشریه «انتقام» بود که از تاریخ ۲۹ آذر ۱۳۴۳ م/۱۵ شعبان ۱۳۸۴ با استفاده از آیه شریفه «والله عزیز ذوانتقام» - در ضمن نام نشریه - شروع به انتشار کرد و تا تاریخ ۱۵ مهر ۱۳۴۴/۷ جمادی الآخر ۱۳۸۵ انتشار آن ادامه یافت و جمعا هشت شماره از آن منتشر شد. حجت‌الاسلام سیدهادی خسروشاهی در این مورد چنین می‌نویسد:
«این نشریه با محتوایی تقریباً مشابه محتوای مقالات «بعثت»، اما کمی رادیکالتر، توسط آیت الله محمدتقی مصباح یزدی، تهیه و تنظیم و تکثیر و توزیع می‌شد... در واقع استاد مصباح، همه کار این نشریه را از تهیه و نوشتن مقالات و اخبار تا تایپ و چاپ و حتی بسته‌بندی و توزیع، خود به تنهایی انجام می‌داد و این، علاوه بر همکاری صمیمانه ایشان با نشریه «بعثت» و نوشتن مقالاتی برای آن و با شرکت در بعضی از جلسات آن در زمان انتشار بود...».

(شفق) است. مرحوم شفق از گروه اولین شاعران متعهدی است که بعد از وقوع قیام ۱۵ خرداد به مناسبت‌های مختلف از جمله رثای شهدای ۱۵ خرداد و آزادی امام خمینی، اشعار حماسی زیبایی سروده است (قبادی، ۱۳۸۸: ۸۳).

نعمت میرزا زاده (م. آزر) - صرف‌نظر از عاقبت سیاسی و فکری و فرجام ادبیش و تنها به لحاظ اهمیت تاریخی - از جمله شاعرانی است که در توصیف و ستایش نهضت امام خمینی اشعار خوبی دارد. در میان آنها قصیده «به نام تو سوگند» جدا از صلابت کلام، اولین شعری است که در آن از رهبر انقلاب با تعبیر «امام»^۱ یاد می‌شود: «ای ز وطن دور ای مجاهد دربند / ای دل اهل وطن به مهر تو پیوند * * * ای ز وطن دور ای امام خمینی / ای تو علی را یگانه پور همانند»^۲

این شعر در سال ۴۳ و با موضوع تبعید امام سروده شده و جالب اینکه امام در نامه خود به جناب حجت‌الاسلام والمسلمین محمد حکیمی در آبان ۱۳۴۸ به این شعر اشاره می‌کند و چنین می‌نویسد:

«بسمه تعالی»

رمضان المبارک ۱۳۸۹

جناب مستطاب ثقه‌الاسلام آقای حکیمی، دامت افاضاته

گرچه جناب آقای آزر را ملاقات نکرده‌ام لکن تا اندازه‌ای از روحیات ایشان اطلاع دارم. قبلاً هم پس از انتقال به عراق قطعه شعری که حاکی از افکار ایشان تا اندازه‌ای بود ملاحظه نمودم. اینک نیز «پیام» بلندپایه را دیده و از ایشان تقدیر می‌کنم. این جانب روزهای آخر عمر را می‌گذرانم و مع‌الأسف نتوانستم خدمتی به اسلام عزیز و مسلمین بنمایم. ملت‌هایی که با جمعیت بسیار انبوه و اراضی بسیار وسیع و ذخایر بسیار گران‌بها

ر.ک: اسناد نهضت اسلامی ایران، ج دوم، تدوین: سیدهادی خسروشاهی، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، تهران، پاییز ۱۳۸۹، ص ۱۵.
 ۱. نخستین شخصیتی که عنوان «امام» را برای رهبر و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران به کار برد، استاد فرزانه محمدرضا حکیمی بود که در کتاب «سرود جهش‌ها»، که در سال ۱۳۴۲ به رشته نگارش کشید، چنین آورد:
 «...در این روز و روزگار دیگر این نشان تشیع را بر کسی ندیدیم و این سخن عزیز شیعی «انتم علی احدی الحسینین» را از کسی نشنیدیم؛ مگر از پیشوای شیعی اندیش معاصر و یادگار پیشینه‌های شیعه، امام خمینی...»
 ۲. بازتاب قیام ۱۵ خرداد در آثار پیشاهنگان شعر انقلاب، ص ۲۷۳.

و سوابق بسیار درخشان و فرهنگ و قوانین آسمانی در تحت اسارت استعمار با گرسنگی و برهنگی و فقر و فلاکت و عقب‌ماندگی دست به گریبان و در انتظار مرگ نشسته‌اند [و] دولتها که به دست استعمار تشکیل می‌شوند، جز در خدمت آنها نمی‌توانند باشند. اختلافات موجوده در بین سران دول اسلامی - که میراث ملوک‌الطوایفی و عصر توحش است و با دست اجانب برای عقب نگاه‌داشتن ملتها ایجاد شده است - مجال تفکر در مصالح را از آنها سلب نموده است.

روح یأس و ناامیدی که به دست استعمار در ملتها حتی در رهبران اسلامی دمیده شده است، آنها را از فکر در چاره‌جویی بازداشته است. امید است طبقه جوان که به سردیها و سستیهای ایام پیری نرسیده‌اند با هر وسیله‌ای که بتوانند ملتها را بیدار کنند؛ با شعر، نثر، خطابه، کتاب و آنچه موجب آگاهی جامعه است؛ حتی در اجتماعات خصوصی از این وظیفه غفلت نکنند؛ باشد که مردی یا مردانی بلندهمت و غیرتمند پیدا شوند و به این اوضاع نکبت‌بار خاتمه دهند.

باید جوانهای تحصیلکرده از این هیاهوی اجانب خود را نیازند و سرگرم بساط عیش و نوشی که به دستور استعمار برای آنها و عقب‌نگه‌داشتن آنها فراهم شده است نگردند. باید اشخاص بیدار، تولید مثل کنند و هر چه بیشتر همفکر و همقدم پیدا کنند و صفوف خود را فشرده کنند و در ناملايمات پایدار و جدی و قوی‌الاراده باشند و از توأسی به حق و توأسی به صبر که دستوری است الهی، غفلت نکنند. از خداوند تعالی عظمت اسلام و مسلمین را خواهانم. سلام اینجانب را به آقای آزرَم و هر کس که در فکر چاره است ابلاغ نمایید؛ و السلام علیکم. روح‌الله الموسوی الخمینی^۱

همین شاعر در سروده‌ای دیگر خطاب به امام خمینی از شهادت آیت‌الله سعیدی (در ۱۳۴۹) یاد کرده و از جنایات رژیم شاه به خلق ایران سخن گفته است. او در این شعر باز هم رهبر نهضت را با لفظ «امام» خطاب می‌کند و شرح وقایع سیاست ایران را با او بازگو می‌کند و چنین می‌سراید: «الا ای امام بحق برگزیده/الا ای تو اسلام را نور دیده *** امام بحق ای خمینی که ایران/تو را چند سالی ست دوری کشیده *** زعیما، اما ما از ایران چه

۱. صحیفه امام، ج ۲، صص ۲۵۵-۲۵۴.

پرسی / که سجن بزرگی است، در خون تپیده *** محمدرضای سعیدی، بزرگی / که اسلام او را به جان پروریده *** ز بیداد ضحاک و دژخیم‌هایش / شهیدی است اینک به خون آرمیده» (خسروشاهی، ۱۳۹۲: ۲۷۴).

مرحوم مهرداد اوستا^۱ از دیگر چهره‌های شناخته شده ادبیات انقلاب است که از ابتدای نهضت ۱۵ خرداد با سرودن اشعار حماسی و انقلابی تا انتها در کنار انقلاب ماند.^۲ او در کنار پرشمار اشعار انقلابی، قصیده‌ای بلند و خوش قافیه با عنوان «پردگی بامداد» سروده است. این قصیده پنجاه و شش بیت، که در اعتراض به تبعید امام بعد از حادثه ۱۵ خرداد، نگاهی پرشکوه و لبریز از امید و انتظار دارد به روشنی بازتاب دهنده تمام واقعیت‌های نهفته در قیام ۱۵ خرداد است که با کلماتی رسا و مستحکم و وزین در ادبیات شعرهای انقلابی قبل از وقوع انقلاب می‌درخشد (خسروشاهی، ۱۳۹۲: ۲۷۷-۲۷۶).

سید اسدالله رسا مدیر روزنامه «قانون»^۳ نیز از جمله کسانی است که اگر چه نامی از وی در زمره شاعران انقلاب اسلامی به میان نیامده این شخصیت سیاسی با سابقه و ستم‌ستیز نیز در مورد حادثه خونین «۱۵ خرداد ۴۲»، شعری سروده است که در آن به ابعاد گسترده قیام خونین پانزده خرداد در شهرهای مختلف ایران اشاره، و از شدت این مصیبت به خداوند شکوه می‌کند و آرزوی انتقام خون بیگناهان را دارد: «چون جوی خون ز دیده ببارم من اشکِ خون / از بس میان شهر [ناخوانا] از سرگذشت *** تنها نه شهر تهران گردید غرق خون / شد قتلگاه مشهد و قم، اصفهان و رشت *** باری، گذشت نیمه خرداد و ای خدا / تنها تو عالمی که چنان تلخ و

۱. مهرداد اوستا (زاده ۲۰ بهمن ۱۳۰۸ بروجرد - وفات: ۱۷ اردیبهشت ۱۳۷۰ تهران)، نویسنده و شاعر معاصر ایرانی وی در شهریور ماه ۱۳۳۲ خورشیدی شعرهایی در مخالفت با رژیم پهلوی سرود و هفت ماه را به عنوان زندانی سیاسی در زندان گذراند.

۲. شاید به همین دلیل است که برخی اوستا را «پدر شعر انقلاب» می‌دانند.

۳. سید اسدالله حسین‌زاده (مشهور به رسا) در دوران خفقان‌بار عصر پهلویها کارنامه مبارزاتی روشنی داشته است و بارها به دلیل مخالفت با رژیم و قلم‌فرسایی علیه خط قرمزهای حکومت وقت (از جمله رژیم غاصب اسرائیل و امور مشابه)، متحمل زندانهای طولانی مدت و شکنجه‌های شدید شد و سرانجام در اثر همین زندانها به بیماری قانقاریا مبتلا، و به‌رغم میل باطنی به اسرائیل فرستاده شد و بعد از مدتی جنازه‌اش را به ایران فرستادند که خواهرش (معصومه رسا) بر این اعتقاد بود که رسا کشته شده است. مرحوم رسا از جمله کسانی است که با نهضت آیت‌الله نجفی اصفهانی همراهی مستمر و مثبتی داشته است.

برای اطلاع تفصیلی در این باره، بنگرید به چند قطره خون برای آزادی (خاطرات سید اسدالله رسا، روزنامه‌نگار مبارز و آزادیخواه دوران دیکتاتوری پهلوی به انضمام مقالات، اسناد، مکتوبات و اشعار منتشر نشده رسا)، ص ۲۶-۱۵.

بد گذشت» (نامدار، ۱۳۹۱: ۴۲۹-۴۳۰).

از جمله پیشاهنگان شعر انقلاب اسلامی، محمدعلی مردانی است که با راه‌اندازی انجمن نغمه‌سرایان مذهبی از سال ۱۳۵۱ در افشاکردن چهره حقیقی رژیم پهلوی اهتمام کرد. مردانی در توصیف قیام ۱۵ خرداد و حوادث بعد از قیام، شعرهای بسیار حماسی با وزنه‌های مختلف سروده است. زمزمه یک نمونه از شاعرانه‌های حماسی این شاعر است که در آن شخص شاه را مورد عتاب قرار داده و از ظلم او سخن گفته است (خسروشاهی، ۱۳۹۲: ۲۷۴). این ادبیات صریح و انقلابی از شهامت ستودنی شاعر نشأت می‌گیرد و نشان می‌دهد شاعران انقلابی، با الهام از امام خمینی، زبان کنایه را کنار گذاشته و با سلاح صراحت به میدان آمده‌اند.

ولایت فقیه، ویژگی هویت‌بخش شعر انقلاب اسلامی

وارد شدن مفاهیم مذهبی در فضای ادبیات و شعر، محصول نهضت امام خمینی است. تعداد شعر و شاعرانی با چنین ویژگی با نزدیک شدن به پیروزی به نحو تصاعدی بالا رفت. در شعر این دوره تاریخی از یک سو مفاهیم سیاسی و مذهبی به نحو پررنگی انعکاس یافت (مفاهیمی چون مرجعیت، شهادت، قیام، عدالت، ظلم‌ستیزی، انتظار، ولایت و...) و از دیگر سو، سیر تحولات تاریخی، زمینه‌ساز خلق آثار ادبی شد و شعر پا به پای حوادث نهضت، به پیش رفت و به مسئولیت و تعهد خود وفادار ماند. بازخوانی تطبیقی تاریخ پیامبران، تاریخ صدر اسلام بویژه تاریخ عاشورا، قصه‌های قرآنی و به‌طور کلی مضمونهای قرآن و سنت دستمایه شعر انقلابی قرار گرفته است. امام خمینی به‌عنوان راهبر نهضت، همواره در همه دوره‌های تاریخی شعر انقلاب مورد توجه ویژه شاعران قرار داشته است (درستی، ۱۳۸۱: ۳۰۲).

در بازکاوی انقلاب اسلامی، ابعاد مختلفی وجود دارد؛ اما ولایت فقیه به‌عنوان محوریت‌ترین نقطه مطالعات انقلاب اسلامی مورد توجه انقلاب‌پژوهان قرار گرفته است. گذشته از ساحت نظری، شخص ولی فقیه به‌عنوان رهبر مبارزات اسلامی مردم ایران با انتشار پیامها و تولید آثار علمی، خط‌دهی میدانی پیاده نظام انقلابی را برعهده داشت. حلقه اتصال توده مبارزان مسلمان با راهبری نهضت، ادبیات انقلابی بود که در قالب‌های مختلف تولید و مورد استفاده قرار می‌گرفت.

تولید ادبیات انقلابی از ابتدای نهضت در سال ۴۱ تا هنگامه پیروزی در سال ۵۷، فراز و

فرودهای فراوانی را طی کرده است.

حمله به فیضیه، قیام پانزده خرداد سال ۴۲، دستگیری، زندان، حصر خانگی و نهایتاً تبعید امام خمینی، مهمترین سوژه‌های شعر انقلابی است.

با طرح گسترده موضوع «ولایت فقیه» توسط امام خمینی (ره) در بهمن ماه ۱۳۴۸ شمسی، موضوع تشکیل حکومت اسلامی به‌عنوان یکی از آرمانهای مبارزاتی اصلی مطرح شد (روحانی، ۱۳۹۳، ج ۲: ۷۳۰) و از آن پس، براندازی رژیم شاه و تشکیل مدینه فاضله اسلامی در قالب تشکیل حکومت دینی به‌عنوان یکی از آرمانهای ثابت در شعر شاعران انقلابی مسلمان مطرح شد.

سلسله درسهای ایشان به همت برخی از شاگردان، ضبط، پیاده‌سازی، تدوین، تکثیر و در سطحی وسیع توزیع شد. انتشار و توزیع دروس ولایت فقیه امام در ایران، همگرایی شعارها و آرمانهای نهضت محوریت داشت (مقدمی شهیدانی، ۱۳۹۶: ۱۰۴).

بعد از این دروس تأسیس حکومت دینی با محوریت ولی فقیه به‌عنوان «آرمان مبارزاتی» وارد ادبیات مبارزه شد؛ اما همزمان برخی جریانهای به‌ظاهر ملی - مذهبی، نه تنها تحرک خاصی در این زمینه انجام ندادند، بلکه در جهت سانسور مسئله حکومت اسلامی و بعضاً تولید آنتی‌تز ادبیات انقلابی، اقداماتی را انجام دادند (روحانی، ۱۳۹۳، ج ۲: ۷۳۵)؛ اما با وجود این تأسیس گروه‌های متکثر هوادار حکومت اسلامی، موجب شد که این مسئله در سالهای آغازین دهه پنجاه به گفتمانی فراگیر در میان مبارزان و فعالان نهضت امام خمینی مبدل شود (روحانی، ۱۳۹۳، ج ۴: ۴۵۳ - ۱۳۱).

امام خمینی در خلال درسهای ولایت فقیه از نسل جوان و نخبه ایرانی دعوت کرد که دربارهٔ زمینه‌های تحقق آن اندیشه کنند:

«ما اصل موضوع را طرح کردیم و لازم است نسل حاضر و نسل آینده در اطراف آن بحث و فکر نمایند و راه به‌دست آوردن آن را پیدا کنند. سستی، سردی و یأس را از خود دور نمایند و ان‌شاء‌الله تعالی کیفیت تشکیل و سایر متفرعات آن را با مشورت و تبادل نظر به‌دست بیاورند» (امام خمینی، ولایت فقیه، حکومت اسلامی، ۱۳۹۶: ۱۰۶).

بعد از ائشار درسنامه‌های «ولایت فقیه»، این دعوت بارها توسط ایشان تکرار شد تا مسئله

«حکومت اسلامی» به جریانی اجتماعی - فکری در محافل تخصصی و عمومی بدل شود (امام خمینی، صحیفه امام، ج ۲: ۴۴۰ و ۴۵۳-۴۵۲؛ همان، ج ۳: ۳۲۸-۳۲۴). ویژگی اصلی شعر انقلاب اسلامی، ماهیت نظری و مذهبی آن است و مسئله حکومت اسلامی، نظریه ولایت فقیه و شخص ولی فقیه، پربسامدترین مفهوم مورد اقبال شاعران مسلمان در دوران مبارزه بوده است؛ لذا در این نوشتار، این ویژگی در هویت‌یابی و تمایز شعر انقلاب اسلامی از دیگر گونه‌های شعر سیاسی یا شعر مبارزه ملحوظ قرار گرفته است.

بازتابها و پیامدهای ادبی شعر انقلاب اسلامی

شعر انقلاب اسلامی، همچون هر پدیده فرهنگی و هنری دیگری، عاری از تجربه نشیب و فرازهای مختلف (در قالب و محتوا و در لفظ و معنا) نبوده و نیست. این چکامه پرطنین و آهنگین، همساز چکاکچکهای شمشیرهای آهیخته همه مجاهدان راه اسلام، هرآنجا که لازم است سروده و شنیده می‌شود. نظر به مرور نمونه‌های عینی و بررسی‌های مصداقی تاریخ‌محور در یک بررسی کلی، شعر انقلاب اسلامی دارای هویتی مستقل و ممتاز است که ویژگی و جایگاه آن هنوز به‌نحو بایسته مورد بازکاوی قرار نگرفته است.

به‌نظر می‌رسد نقطه آغازین شعر انقلاب اسلامی همچنان به اشتباه، پیروزی انقلاب اسلامی تلقی می‌شود در حالی که همان‌طور که گذشت، آثار فاخری در این حوزه وجود دارد که نشان از تولد این درخت پرثمر در آستانه نهضت امام در دهه چهل دارد. از انقلاب سرودن غیر از «انقلاب‌سرایی» است؛ اگرچه به‌دلیل غلبه عواطف و ادبیات بر مفاهیم و معانی موجب شد که در سالهای مبارزه، برخی اندیشمندان انقلابی به‌جای اصالت معنا شعر و حماسه و انقلاب‌سرایی را اصل قرار دادند.^۱ این است که حتماً در بررسی آثار مربوط به «شعر انقلاب اسلامی» ناگزیر باید دست به عصا راه رفت تا برخی نوشتارهای التقاطی و احیاناً انحرافی یا مکتب‌زده به‌عنوان بیتی از غزل شعر ناب انقلاب اسلامی جای نگیرد.

در نخستین سالهای انقلاب، بیش و پیش از هر چیز، شاعران به بیان اندیشه‌ها و باورهای

۱. به‌رغم احترام به جناب دکتر شریعتی، آثار ایشان - آن‌گونه که شهید مطهری در نامه به امام توصیف کرده‌اند - آکنده از انقلاب‌سرایی است. این است که در بازخوانی آثار ادبی عصر انقلاب، می‌باید تفاوت انقلاب اسلامی با اسلام انقلابی از نظر نرود.

انقلابی و دینی پرداختند که با ظهور جنگ و مسائل آن چون ستایش مجاهدت مردمی، ستایش شهیدان و تقبیح دشمنان و متجاوزان، محوریت‌ترین مضمون و موضوع جاری در سروده‌ها شد. جریان دیگری در سالهای پایانی دهه شصت و دهه هفتاد ظهور کرد که درگیر نوعی تکاپو در فرم و قالبهای جدید و کشف فضاها و مضمونهای تازه شد (سنگری، ۱۳۸۶: ۶۱-۵۸).

در بررسی شعر انقلاب اسلامی، جداسازی شعر اصیل انقلاب - که پیگیر آرمان اسلام ناب است - با اشعار سیاسی و انقلابی که در عصر انقلاب سروده می‌شد، ضرورت است. گرچه ادبیات چپ بخش مهمی از ادبیات مبارزه را شامل می‌شد، نمی‌توان بی‌محابا آن را در قالب شعر انقلاب دسته‌بندی کرد. اگرچه برخی از شاعران این عرصه به‌رغم دلدادگی به مکاتب الحادی، همچنان از مضمونهای مذهبی بهره می‌بردند و این نشان می‌دهد که مخاطب مسلمان و متعهد این شاعران، آنان را مجبور به حرکت در مسیر مضمونهای دینی کرده است.^۱ شعر انقلاب اسلامی گرفتار محافل ادبی تخصصی نشد و در میان عامه مردم، زبان به زبان چرخید و همه گیر شد. شعارهای اخلاقانه و سرودهای انقلابی در آستان پیروزی انقلاب اسلامی، یک جلوه از این هم‌آمیختگی هنر انقلاب با عامه انقلابیون بوده است.

شعر فخیم و فاخر دفاع مقدس در حقیقت محصول شعر انقلاب اسلامی است که از یک سو بر بنیانهای شعر انقلاب اسلامی بنا شده است و از دیگر سو نتیجه و نقطه تکامل شعر انقلاب به‌شمار می‌رود. تولد نسلی از شاعران انقلابی و تولید حجم انبوهی از آثار فاخر ادبی در فضای شعر و ادب انقلاب اسلامی شکل گرفته است؛ اما در پیشینه‌شناسی شعر دوران پیروزی انقلاب اسلامی چندان بدان توجهی نمی‌شود.

کارکردها و پیامدهای شعر انقلاب اسلامی به تولد شعر دفاع مقدس، محدود نیست بلکه بازتاب مصیبت عظمای نبود امام عزیز، تکانه و تکاپوی مهم دیگری در شعر انقلاب اسلامی است که البته همچنان ناشناخته مانده است. شعر مقاومت و بویژه اشعار مربوط به دفاع از سرزمین فلسطین، ژانر مهم دیگر در عرصه شعر انقلاب اسلامی است. این عرصه در صدور انقلاب اسلامی در خارج از مرزهای ایران، و در همصدایی هنروران آزاده در سراسر جهان تکلیف و تعهد ویژه بر دوش داشته و دارد. شعر آیینی، که در سالهای اخیر تبلوری

۱. گلسترخی نمونه خوبی در تقریب این حقیقت در شعر انقلاب اسلامی است.

تحسین برانگیز یافته، اتفاق مهم دیگر در شعر انقلاب تلقی می‌شود که رابطه هیئت‌ها و حسینیه‌ها با جریان پویای انقلاب اسلامی را باقی و برقرار و قویم نگه داشته است. ماجرای شعر بیداری اسلامی، وقوع حادثه تلخ و عبرت‌آموز منا و بویژه پیدایی جریان دفاع از حرم، هر کدام در جای خویش، تحرک و شوک شعری دیگری در دل شعر انقلاب اسلامی بوده است که جای بررسی مستقل و مبسوط دارد.

کرامت‌تراشی روشنفکران ضد انقلاب برای شعر درباری

به موازات جریان شعری متصل به تحولات انقلاب اسلامی، محافل شعری دیگری نیز در کشور فعالیت داشتند که شاعران چپ‌گرا، شاعران درباری و شاعران بی‌اعتنا نسبت به تحولات سیاسی کشور از آن دسته‌اند. به‌رغم تولیدات پرشمار رقیبان گفتمانی شاعران انقلابی، اقبال مردم ایران بیش از دیگران متوجه شاعران مبارز مسلمان بود و همین امتیاز موجب شد، شعر آنان آثار اجتماعی فراگیری داشته باشد؛ با این‌همه، بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، برخی نحل‌های تاریخ‌نگاری وابسته به همین کانون‌های فکری - سیاسی، تلاش کردند سهم ویژه‌ای برای شاعران غیرمسلمان در نظر بگیرند و عجیب اینکه تاریخ‌نگاران طرفدار پهلوی، امروز نقطه عطف انقلاب و نخستین جرعه نهضت در سال ۵۶ را به «شب‌های شعر کانون نویسندگان» نسبت می‌دهند و بر آنند که فضای باز سیاسی دیکته‌شده توسط کارتر و به‌دنبال آن فعال‌شدن مجامع روشنفکری و برپایی شبهای شعر و به‌خشونت کشیده‌شدن این جلسات، عامل ایجاد جرعه انقلاب در سال ۵۶ بوده است (کشاورز صدر و اکبری، ۱۳۸۰: ۳۰۵؛ آبراهامیان، ۱۳۹۰: ۶۲۳ و ۶۲۴).

صد البته که نویسندگانی مانند آبراهامیان در سالهای سرد و سخت مبارزات مردم ایران از سال ۴۲ تا ۵۶، هیچ نشانه‌ای از تحرک و اعتراض حضرات شاعرپیشه به دست نمی‌دهند تا دریابیم که پیشینه و کارنامه جرعه‌سرایان سال ۵۶ چه بوده است! و باز این دوستان نمی‌نویسند که بعد از به‌میدان آمدن مردم و علنی‌شدن قیام، این شاعران چه سرودند و پژواک شعرشان کدام تکاپوی انقلابی را موجب شد؟

مرور محتوای اشعار و اظهارنظرهای حضار جلسه شبهای شعرگونه و نیز اعضای کانون نویسندگان نشان می‌دهد که آنان کمترین دخالتی در شکل‌گیری تحولات شتابزای انقلاب

اسلامی در سال ۵۶ نداشته و بلکه به دلیل نفوذ برخی هنرمندان درباری در این محافل، عملاً خط‌دهی دیگری غیر از آرمانها و ادبیات انقلاب اسلامی در این مجامع در جریان بوده است (مقدمی شهیدانی و محمد زنجانی، ۱۳۹۷: ۱۱۷-۱۳۲).

اگرچه در مورد کارنامه روشنفکران عصر پهلوی، بسیار گفته‌اند و نوشته‌اند از این دیدگاه کمتر به این جریان پرداخته‌ایم که آنان در بزنگاه‌های تاریخی عصر مبارزه، چه می‌خواستند و چه می‌گفتند و از چه می‌سرودند و چه کسی را می‌ستودند. شاید به‌عنوان یک نمونه، بازخوانی سخنان بنیانگذار «مجله ادبی سخن» بسیار گره‌گشا باشد. پرویز نال خانلری، منتقد، نویسنده و شاعر شهیر عصر پهلوی در هنگامه وقوع قیام خونین ۱۵ خرداد ۴۲ در کسوت «وزیر فرهنگ» مشغول بود. او بعد از واقعه در جلسه هیئت دولت به رئیس دولت حمله، و علم را به کوتاهی در کشتار مردم مسلمان متهم کرده است که چرا با شدت عمل بیشتری با مردم معترض در روز ۱۵ خرداد برخورد نشده است! در واقع از دید خانلری، می‌بایست نخست وزیر با شدت بسیار بیشتری در مقابل انقلابیهای طرفدار امام خمینی برخورد می‌کرده است. خانلری در آن جلسه چنین می‌گوید:

«این طور که بنده دیدم طبقه روشنفکر سخت عصبانی است و بر له [طرفدار] دولت است و می‌گوید چرا دولت سستی می‌کند و اقدام شدید [در برخورد با معترضان] نمی‌کند. مطلب دیگر اینکه شترسواری دولا دولا نمی‌شود. [برای سرکوب مخالفان] تصمیم قاطع باید گرفت. اگر سست بگیریم مملکت از میان می‌رود. مسئله مربوط به خودمان نیست. ما می‌توانیم استعفا بدهیم ولی مملکت از بین می‌رود. ما تصمیم قاطع باید بگیریم. ما وقتی یک ستوان دوم اگر عملی کرد او را تعقیب می‌کنیم به هر صورت حکومت نظامی ضرورت کامل دارد و بسیار شدید باید عمل کرد!» (متن کامل مذاکرات هیأت دولت طاغوت در پانزده خرداد ۱۳۴۲: ۲۶).

این تنها یک از هزاران است. گرچه بازخوانی حقایق تاریخی شاید برخی مریدان چشم و گوش بسته را ناخوشایند به نظر رسد تا هنگامی که تاریخ به همان گونه که اتفاق افتاده است روایت نشود، قدر و منزلت شاعران انقلابی نمایان نشود.

شاعران و نویسندگان دهه ۴۰ و ۵۰ بیشتر برای مجامع روشنفکری و محافل ادبی می‌نوشتند و به مسائل و مشکلات عامه مردم توجهی نداشتند. در این میان عده ای از نویسندگان، که با

وضع داخلی کشور و ارزشهای انقلاب اسلامی نمی‌توانستند کنار بیایند به کشورهای اروپا و امریکا مهاجرت کردند و دور از وطن به کار خود ادامه دادند که در آثارشان مایه‌های ملی، غم غربت و ناخشنودی از انقلاب و ارزشهای متعلق به آن دیده می‌شد.

سالهای مبارزه، عصر اوج ادبیات چپ در ایران و جهان است. چپها - در انواع و گونه‌های فکری و رفتاری متفاوتشان - به‌رغم ادعای مبارزه‌جویی، هرگز حاضر نشدند در هنگامه خطر در کنار مردم بایستند و پژواک شاعرانه‌های خیال‌انگیزشان نوعاً از نه‌توی دوداندود محافل ادبی آن‌سوتر نرفت. البته بسیاری از شاعران و نویسندگان متعهد به روال همان روز و یا با تمایلات مذهبی کار، و با سلاح قلم به‌گونه‌ای مبارزه و اعتراض می‌کردند (رجبی طوسی، ۱۳۸۹: ۸۷ - ۹۰).

جمع‌بندی

بررسی پیشینه تاریخی شعر انقلاب اسلامی آرمانها و ماهیت نهضت اسلامی مردم ایران را نمایان می‌سازد و محوریت امام خمینی به‌عنوان یگانه راهبر این نهضت فراگیر را نشان می‌دهد. با مرور پیشینه تاریخی شعر انقلاب اسلامی، معلوم می‌شود که نقطه آغاز شعر انقلاب اسلامی با آغاز اصل نهضت متولد شده است و از آن پس، شعر در همه مراحل نهضت حضور دارد و آتشفشان واژگان، تنور مبارزه را در همه دوره‌ها و فراز و فرودهای نهضت امام خمینی گرم نگاه داشته است. تنوع موضوعی و روزآمدی شعر انقلاب اسلامی، ظرفیتی تمام‌نشدنی را پیش روی انقلابیون مسلمان گشود که در مراحل مختلف از آن به بهترین وجه ممکن بهره بردند. شعر انقلاب اسلامی به‌جای اینکه در محفلهای دوداندود شاعران روشنفکر حبس شده باشد از دل توده‌های مستضعف جامعه ایران برآمد و فریاد خروش و خیزش را همه‌گیر کرد. شعارهای آهنگین و موزون، سرودهای انقلابی ماندگار، که اکنون در حافظه آوایی مردمان ایرانی ثبت شده است و مرثیه‌ها و نوحه‌های عاشورایی مبتنی بر حوادث سیاسی - انقلابی، تنها بخشی از نمود اجتماعی شعر انقلاب اسلامی بود.

شعر انقلاب اسلامی از حیث فنی، نه آن‌چنان پیچیده و گرفتار فرم است که برای عامه مردم قابل فهم نباشد و نه آن‌چنان ساده و سطحی است که خواص آن را نادیده بگیرند! در عین عام‌فهم و خاص‌پسندبودن، تعهد به استیفای حقوق مردم در قالب پی‌جویی آرمانهای اسلامی،

ویژگی ثابت این‌گونه ادبی است و در حقیقت در دوران پرحادثه مبارزه، شعر زبان مردمان مبارز و همراه و همدم آنان بوده است. روشنگری و آخته نگاهداشتن آتشی‌های زیر خاکستر در لایه‌های ناپیدای اجتماعی، کارکردِ سترگِ شعر انقلاب اسلامی است که همچنان در آثار انقلاب‌پژوهان ایرانی و غیرایرانی مغفول مانده است.

محوریت امام خمینی همواره در شعر انقلاب اسلامی پیداست و یکی از بهترین دلائل اثبات یگانگی رهبری در صفوف مبارزه، بازخوانی اشعار انقلابی در دهه‌های چهل و پنجاه است.

شعر انقلاب اسلامی به زبان معیار محدود و منحصر نیست؛ چه اینکه در جغرافیای خاص نیز نمی‌گنجد. شعر انقلاب، شهر و روستا نمی‌شناسد؛ در قالب یک گویش و لهجه و زبان خاص نمی‌گنجد. شعر انقلاب اسلامی در گستره‌ای به بزرگی اصل نهضت، و هم‌پا با آن حیات دارد و بر جان تشنگان، باران زندگانی می‌پراکند.

شعر انقلاب اسلامی در مضمون گرفتار مکاتب الحادی و التقاطی نیست و چونان آرمانهای نهضت، اصیل و برآمده از آموزه‌های اسلام ناب است. شعر انقلاب اسلامی از ریشه و هویت تاریخی برخوردار است و توجه به پیشینه تاریخی این گونه شعری، خط امتداد رویش و رسش و تعالی آن را نشان می‌دهد.

منابع

- امام خمینی، روح اله، صحیفه امام، مجموعه آثار امام خمینی، ج ۲، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س).
- امام خمینی، روح اله (۱۳۷۲)، ولایت فقیه (حکومت اسلامی)، تهران: عروج.
- امام خمینی، روح اله (۱۳۹۲)، دیوان اشعار، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- آبراهامیان، یرواند (۱۳۹۲)، ایران بین دو انقلاب، ترجمه احمد گل محمدی و محمدابراهیم فتاحی، تهران: نی.
- آرشیو بنیاد تاریخ‌پژوهی و دانشنامه انقلاب اسلامی.
- اسماعیلی، رضا، «موضوع» یا «موضوع»؛ شعر اصیل آیینی چه ویژگی‌هایی دارد؟، خبرگزاری تسنیم: <https://www.tasnimnews.com>
- بنیاد تاریخ‌پژوهی و دانشنامه انقلاب اسلامی (۱۳۹۶)، نخستین پیش‌نویس قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، تهران: بنیاد تاریخ‌پژوهی و دانشنامه انقلاب اسلامی.

به امام خمینی از چه زمانی لقب امام داده شد؟، پایگاه اینترنتی بنیاد تاریخ‌پژوهی و دانشنامه انقلاب اسلامی:

<http://iranemoaser.ir/content/173>

حقیقت، سیدصادق (۱۳۹۱)، روش‌شناسی علوم سیاسی، قم: انتشارات دانشگاه مفید، چ سوم.
 خسروشاهی، سیدهادی (۱۳۸۹)، اسناد نهضت اسلامی ایران، ج دوم، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
 درستی، احمد (۱۳۸۱)، شعر سیاسی در دوره پهلوی دوم، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
 درویش‌پور، مهرداد (۱۳۸۰)، ترازنامه و چشم‌انداز جنبش دانشجویی ۱۸ تیر، تجربه مصدق در چشم‌انداز آینده ایران، مجموعه مقالات همایشی با همین عنوان که از ۱۳ تا ۱۶ اردیبهشت ۸۰ در دانشگاه الینویز نوردیترون برگزار شد، به کوشش: هوشنگ کشاورز صدر و حمید اکبری، بی‌تا، بی‌جا.
 دفتر هیات دولت و روابط عمومی نخست‌وزیری (بی‌تا)، متن کامل مذاکرات هیأت دولت طاغوت در پانزده خرداد ۱۳۴۲؛ اسناد فاش‌نشده‌ای از قیام خونین ۱۵ خرداد، بی‌جا.
 رجیبی طوسی، مرضیه (۱۳۸۹)، بوی سیب چشم هایت آشناست (تأثیر ادبیات بر انقلاب و ادبیات فاخر)، فصلنامه فرهنگ پویا، ش ۱۹: ۸۷ - ۹۰.
 رحیمیان، محمدحسین (۱۳۹۰)، در سایه آفتاب: یادها و یادداشت‌هایی از زندگی امام خمینی (ره)، تهران: نشر شاهد.
 روحانی، سید حمید (۱۳۹۳)، نهضت امام خمینی، دفتر نخست و دوم، تهران: بنیاد تاریخ‌پژوهی و دانشنامه انقلاب اسلامی، چ نوزدهم.
 سنگری، محمدرضا (۱۳۸۶)، تکامل شعر انقلاب اسلامی، مجله شعر، تهران: انتشارات سوره مهر: ۵۸ تا ۶۱.
 سوری، محمود (۱۳۸۸)، رسالت شعر دینی در جنبش‌های اجتماعی و سیاسی، قم: مرکز پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما، دفتر عقل.
 سیاهپور، کشاور (۱۳۷۸)، تأثیرپذیری ادبیات عامیانه و حماسی ایل بویراحمد از نهضت امام خمینی، ادبیات انقلاب، انقلاب ادبیات (مجموعه مقالات)، ج دوم، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
 سیاهپور، کشاور (۱۳۸۸)، قیام عشایر جنوب (۱۳۴۱-۱۳۴۳)، تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی.
 شمس‌گیلانی، حسن (۱۳۲۷)، تاریخ علما و شعرای گیلان، تهران: کتابفروشی و چاپخانه دانش.
 طاهری خسروشاهی، محمد (۱۳۹۲)، بازتاب قیام ۱۵ خرداد در آثار پیشاهنگان شعر انقلاب، فصلنامه پانزده خرداد، س ۱۰، ش ۳۵: ۲۶۵-۲۸۰.
 غفاری هاشجین، زاهد؛ خدادادی، هانیه (۱۳۹۳)، هیئت‌های مذهبی و انقلاب اسلامی، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.

فلاحی، اکبر (۱۳۹۳)، محرم و انقلاب اسلامی ایران، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی

قبادی، محمد (۱۳۸۸)، *خاطرات حجت الاسلام و المسلمین محمد حسین بهجتی (شفق)*، تهران: سوره مهر.

مقدمه شهیدانی، سهراب؛ عبداللهی چیرانی، میثم (۱۳۹۵)، نقدی بر مدخل خمینی روح الله در دایره‌المعارف بزرگ اسلامی، تهران: بنیاد تاریخ‌پژوهی و دانشنامه انقلاب اسلامی.

مقدمه شهیدانی، سهراب؛ محمدی زنجانی، حسن (۱۳۹۷)، نخستین جرقه انقلاب در دهه پنجاه و نقدی بر تحلیل آبراهامیان یرواند، فصلنامه پانزده خرداد، س ۱۶، ش ۵۷: ۱۱۷-۱۳۲.

ملکوتیان، مصطفی؛ احمدی، وحیده (۱۳۹۰)، نیروی اجتماعی و تأثیر آن بر شرایط پس از پیروزی در انقلاب فرانسه و انقلاب اسلامی ایران، فصلنامه مطالعات انقلاب اسلامی، س ۸، ش ۲۴: ۴۲-۱۱.

مؤذنی، جواهر (۱۳۹۱)، ادبیات انقلاب اسلامی، حیثیت فرهنگی ماست: گزارشی از نشست‌های تخصصی درباره شعر انقلاب اسلام، مجله رشد آموزش زبان و ادبیات فارسی، ش ۱۰۲: ۷۷-۷۹.

نامدار، مظفر (۱۳۹۱)، چند قطره خون برای آزادی (خاطرات سید اسدالله رسا، روزنامه‌نگار مبارز و آزادیخواه دوران دیکتاتوری پهلوی به انضمام مقالات، اسناد، مکتوبات و اشعار منتشر نشده رسا)، تهران: مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران.

یوسف‌نیا، سعید (۱۳۹۰)، ما از پی سنایی و عطار آمدیم؛ شعر انقلاب، آغازگر فصلی نو در تاریخ شعر عرفانی، مجله سوره اندیشه، شماره ۵۶-۵۷: ۲۶۸-۲۶۵.



The Status of the Islamic Revolution Poetry in the Development of Revolutionary Literature

Sohrab Moghaddami Shahidani *

The poetry of the Islamic Revolution was an essential device in conveying Imam Khomeini's messages to people, which flowed in the process of the movement, being able to move forward step by step at the forefront of the struggle against Pahlavi regime in the discourse and development of revolutionary literature. Through a historical and objective study of the works of revolutionary poets, this investigation is aimed at following the course of literary development during the revolutionary attempts to identify the position of the Islamic Revolution poetry in the development of revolutionary literature and the formation and dominance of Imam Khomeini's discourse. Appreciation of the background, the evolution, functions and linguistic and content diversity of the revolutionary poems, indicate that most of these works are created with regard to the personality, thinking, and political assumptions of Imam Khomeini (RA) with close attention to the minds and language of the people regarding literary points. In terms of the content, commitment to Velayat-e-Faqih (both in theoretical and external indicators) can be considered the main feature of the poetry of the Islamic Revolution. Furthermore, popularity in the form and format is the distinguishing feature of this poetic era.

Keywords: *The Islamic Revolution, Islamic Art, revolution poetry, Imam Khomeini, revolutionary literature.*

* PhD, Member of the Supreme Council of the Encyclopedia of the Islamic Revolution, Tehran, Iran